

حقوق بین الملل عمومی

اول ابقای حقوق خانوادگی و شخصی موافق مقررات
مذهب اسلام و برای انجام این امر تعیین بکنفران و حانیون
بمنوان رئیس العلماء.

دوم حمایت مساجد و قبرستانها و سایر مؤسسات
مذهبی اسلامی.

تهدات دول جدید التاسیس در موضوع اقلیتها دارای
جنبه تهدات راجحه به مفاخ بین المللی بوده و تحت تضمین
جامعه ملل قرار گرفته است و مؤسسه مذکور حق دارد
هر وقت مقتضی بداند برای تأمین اجرای آن اقدامات
لازمه را بعمل آورد. در صورتیکه اختلافی در موضوع حقوق
اقلیتها بین دو دولت ظاهر گردد صلاحیت رسیدگی بامحکمه
دائمی داوری بین المللی است.

اقلیتها با رعایت مقررات عهود و قرار دادها فقط
حق مراجعه به جامعه ملل را دارند دارای شخصیت حقوق
بین المللی نمیباشند.

مبحث دوم

حق حفظ و حراست و دفاع و انبساط

نتایج حاصله از حق حفظ و حراست - دولت از
لحاظ دارا بودن شخصیت حقوقی بین المللی مانند کلیه افراد
بشر حق توسل به کلیه اقدامات لازمه برای حفظ و حراست
کشور را داراست.

برای حفظ و حراست خود در مقابل دشمنان داخلی
دولت قوانین جزائی برقرار نموده و محاکم جزائی و
قوای تأمیناتی و زندانها تأسیس میکنند و حق دارد اتباع
خارجی که وجود آنها را برای نظم عمومی مضر تشخیص
داده است از کشور اخراج کند. در صورت بروز انقلاب

سوم - ممنوعیت برقراری تحدیدات در استعمال
السنه چه در مجامع خصوصی و امور تجاری و مطبوعات و
مذهب و آگاهی ها چه در مجامع عمومی و محاکم قضائی
با وجود بودن زبان رسمی در کشور.

چهارم - مساوات کامل در حق تأسیس و اداره و
تفتیش مؤسسات خیریه و مذهبی و اجتماعی.

پنجم - فراهم نمودن تسهیلات لازمه در مدارس عمومی
برای تدریس بزبان ملی.

ششم - در نواحی که عده اقلیتی زیاد باشد تخصیص
قسمتی از وجوه بودجه ها برای امور معارفی و مذهبی و
خیریه آن اقلیت علاوه بر مقررات فوق برای حفظ حقوق
کلیمیان لهستان تدابیر ذیل اتخاذ گردیده است:
اول تأسیس کمیته های معارفی تحت اداره کلیمیان
برای تقسیم وجوه عمومی بودجه بین مدارس کلیمی.

دوم محترم داشتن تعطیل روز شنبه نسبت به کلیمیان
در روزهای شنبه هیچ انتخاب کشوری یا محلی نمیتواند
بعمل آید.

و هم چنین به گروهی که در کشور چک و اسلواکی
در جنوب جبال کارپات اقامت داشته و موسوم به روتن
Ruthenes میباشد امتیازات ذیل اعطا گردیده است:
اول ملت روتن دارای مجلس مقننه مخصوصی خواهد
بود که در امور زبان و معارف و مذهب و اداره محلی حق
وضع قانون را دارا میباشد.

دوم مأمورین دولتی و بلدسی در اراضی روتن
حتی المقدور از سکنه آن اراضی انتخاب خواهند گردیده
و نیز راجع به مسلمین مقیم صربستان مقررات ذیل
مجری میگردد:

مه همان سال بدون اخذ نتیجه منعقد گردید و پس از اختتام آن در ماه اکتبر جنگ بین دولت انگلیس و جماهیر آفریقای جنوبی در گرفت و چندی بعد برای سر کوبی قبایل بکسر Boxers که در چین مبادرت به قتل و غارت اروپائیان نموده بودند دول اروپا و آنازونی اقدام به قشون کشی به چین نمودند و خود امپراطور روس نیز در ۱۹۰۴ با دولت ژاپن که قصد استیلای منچوری و کره Goree را داشت مجبور به جنگ گردید.

کنفرانس دوم صلح بنا بر دعوت دولت آنازونی در ماه ژوئن ۱۹۰۷ مجدداً در لاهه انعقاد یافت ولی موضوع خلع سلاح از دستور آن خارج گردید.

موضوع خلع سلاح پس از جنگ ۱۹۱۴ - چنانکه سابقاً مذکور گردید اساسنامه جامعه ملل خلع سلاح را بواسطه محدود نمودن تجهیزات دولیکه بعد از داخل آن موزه میشود خواسته است تا حدی عملی نماید ولی میدانیم که این دول عبارت بودند از مغلوبین و عده قلیلی از دول غیر اروپائی و آمریکائی که در آن تاریخ لیاقت عضویت جامعه را نداشتند و تسلیحات سایر دول را بحل خود باقی گذارده بود. ماده ۸ اساسنامه جامعه ملل مقرر میدارد که اعضاء جامعه تصدیق میکنند که حفظ صلح تقلیل تجهیزات نظامی ملی را ایجاب میکند و این تقلیل باید به حدی باشد که با امنیت ملی و تهدات بین المللی که اجراء آنها عملیات مشترک را الزام مینماید موافقت داشته باشد.

لذا شورای جامعه ملل موظف گردید که نقشه تقلیل تجهیزات را تهیه و برای مطالعه و اتخاذ تصمیم با اطلاع دول برساند و یک کمیسیون دائمی تجهیزات و یک کمیسیون موقتی مختلط برای رسیدگی باین موضوع تأسیس یافته و نتایج اقدامات آن کمیسیونها عبارت است از:

اولاً پرتکل راجع به حل اختلافات بین المللی بطریق صلح.

ثانیاً مقرر داشتن تشکیلات لازمه برای بازرسی بامور راجعه به خلع سلاح آلمان اطریش مجارستان و

و شورش میتواند به کلیه اقدامات فوق العاده که مقتضیات وقت برای برقراری نظم و آرامش و احترام قوانین ایجاب مینماید متوسل گردد.

در مقابل دشمنان خارجی میتواند در سرحدات خود قلاع نظامی برپا نموده و وسیله دفاع سرحل خود را فراهم سازد و سفاین جنگی تجهیز کند و اتباع خود را مجبور به انجام خدمات لشگری نماید.

موضوع خلع سلاح

دول عالم با کمال جدیت موضوع حفظ و حراست خود را طرف توجه قرار داده و برای نیل باین مقصود مالیاتهای گزاف تحمیل اتباع خود نموده و قسمت اعظم بودجه را بمصرف تجهیزات میرسانند.

جلوگیری از محارج رز افزون تسلیحات فقط بوسیله عملی کردن خلع سلاح ممکن است بعمل آید ولی اجرای این امر مصادف با اشکالاتی میشود که حل آن به سهولت ممکن نخواهد بود.

دول عالم باید ابقای وضعیت ارضی فعلی را قبول کرده قطعی بدانند در صورتیکه عده کثیری از آنها مقرر صد اولین فرصت برای پیش بردن ادعاهای ارضی خود بوسیله توسل بقوه قهریه میباشند و این دسته از دول و دولیکه بیم وقوع چنین پیش آمدی را دارند بهیچوجه حاضر برای خلع سلاح نخواهند گردید. لهذا خلع سلاح درحقیقت غیر ممکن و باید متدرجاً عملی گردد و در این صورت با اشکال دیگری مصادف خواهند شد و آن عبارت از تشخیص خطراتی است که ممکن است متوجه هر يك از دول بشود و تعیین قسوی نظامی که برای تأمین حفظ و حراست آن دولت در مقابل آن مخاطرات لازم میباشد و حل این اشکالات غیر ممکن به نظر می آید.

در ۱۸۹۹ امپراطور روسیه نیکلای دوم در صدور برآمد که بوسیله دعوت کنفرانسی از دول موضوع خلع سلاح را عملی نماید و این کنفرانس در شهر لاهه در ماه

استفاده از تحت‌البحری برای تخریب تجارت خصم راجزو
آوانین حقوق بین‌الملل محسوب دارند.

رابعاً دول امضا کننده استعمال گازهای مسموم و
خفه کننده و سایر اقدامات نظیر آنرا برخلاف مقررات
قرآین حقوق بین‌الملل میدانند.

دولیکه در کنفرانس واشنگتن شرکت ننموده‌اند
میتوانند بواسطه اعلام قبولی خود به امضا کنندگان آن
مقررات قرار داد مذکور را بعهده گیرند.

حدود حق حفظ و حراست

حق حفظ و حراست هر دولتی بواسطه حق حفظ
و حراست سایر دول محدود میشود لهذا هیچ دولتی حق
ندارد که برای منصرف نمودن انقلابیون و شورشیان داخلی
از تعقیب مقاصد خود به دول دیگر اعلان جنگ نماید و
هم‌چنین نمیتواند مرتکبین جنحه و جنایات غیر سیاسی را
محکوم به نفی بلد کند و چنین اقدامی فقط در باره
مفسرین سیاسی که وجود آنها به امنیت سایر دول خلل
وارد نمی‌آورد جایز خواهد بود بالاخره هیچ دولتی نمیتواند
بغیر از تأمین وسایل رفاهیه خود در مقابل دشمنان خارجی
به ضرر بک دولت همجوار باراضی خود توسعه دهد و یا
وسایل ضعف دولتی را که از قدرت نظامی او اندیش‌ناک
است فراهم سازد.

این اقدامات که علمای سابق اصل مقتضیات نامیده‌اند
امروز کاملاً غیر مشروع بوده و سوء استفاده از قدرت
محسوب میشود.

حق توسعه و انبساط

حق توسعه و انبساط نتیجه طبیعی حق حفظ و حراست
است. بموجب این حق هیچ دولتی نمیتواند جلوگیری از
توسعه و انبساط دولت دیگری بنماید مشروط بر آنکه
این توسعه و انبساط مشروع باشد از قبیل توسعه و انبساط
اقتصادی و تجاری و توسعه ارضی بوسیله تأسیس مستعمرات
در قطعاتی خارج از قلمرو اقدامات اقتصادی دول مقصد نه

بلغارستان که بایستی موافق مقررات نهود دائم مقم تفتیشات
نظامی متفقین گردد.

ثالثاً تهیه نقشه تفتیش معاملات تجاری اسلحه و
ذخایر جنگی.

رابعاً تهیه لایحه قرار دادی راجع به کارخانه های
خصوصی اسلحه سازی.

برای اتخاذ تصمیم در موضوعات فوق کنفرانس
مخصوصی از کلیه دول اعم از عضو و غیر عضو جامعه‌المل
در ماه مه ۱۹۲۵ در ژنو منعقد گردید و چهل و سه دولت
از آن جمله دول آتزانوی و آلمان و ترکیه و مسر که عضویت
جامعه را دارا نبودند در آن شرکت یافتند و در ماه فوریه
۱۹۳۲ نیز کنفرانسی راجع به خلع سلاح در ژنو انعقاد
یافت ولی نتیجه از آن حاصل نگردید.

راجع به تحدید تجهیزات بحری قرار دادی بین
دول فرانسه و انگلیس و ایتالیا در ماه مارس ۱۹۳۱ منعقد
گردیده است و این اقدام را میتوان مقدمه قرار دادی بین عموم
دول بحری پنداشت.

قرار داد واشنگتن راجع به خلع سلاح بحری

چنانکه مذکور گردید کنفرانسی برای تأمین
صلح در قیانونوس کبیر و تقلیل تجهیزات بحری در واشنگتن
منعقد گردیده و بنابر تقاضای فرانسه موضوع تقلیل تجهیزات
بری از مذاکرات آن خارج گردید و نتیجه کنفرانس
دو قرار داد است بدریخ فوریه ۱۹۲۲ یکی راجع به تحدید
تجهیزات بحری و دیگری به تحدید موارد استفاده از
تحت‌البحری و گازهای مسموم.

این قرار داد اخیر قواعد ذیل را مقرر داشته است:
اولاً سفاین تجارتهی را رفتی میتوان مورد حمله و
تهاجم قرار داد که امتناع از اجرای حکم توقفت نماید.
ثانیاً سفینه تجارتهی را رفتی میتوان غرق نمود که
عملجات و سرشتیمان آنرا به محل امنی انتقال داده باشند.
و تحت‌البحریها مکاتب برعایت این دواصل گردیده‌اند.
ثالثاً دول امضا کننده منعقد میکنند که ممنوعیت

نتایج حاصله از عدم مساوات عملی دول - عدم مساوات عملی دول نتایج ذیل را تولید نموده است .
 اولاً اصولاً فقط دول معظمه حق اعزام نمایندگان درجه اول یعنی سفیرای کبار بدرباریکدیگر را دارا هستند .
 ثانیاً در محکمه غنائم بین المللی که در ۱۹۰۷ در شهر لاهه تشکیل یافت قضاتی که از طرف دول معظمه انتخاب میشوند حق اجلاس دائمی در جلسات محکمه را داشته و قضات دول غیر معظمه متناوباً موافق ترتیبی که در قرارداد مقرر شده است در محکمه اجلاس مینمایند .
 ثالثاً در کنفرانس صلح که در ۱۹۱۹ در پاریس منعقد گردید نمایندگان دول معظمه حق اجلاس دائمی را دارا بودند .

رابعاً در شوری جامعه ملل دول معظمه حق عضویت دائمی دارند و سایر دول از طرف مجمع عمومی برای مدت محدودی به عضویت آن مؤسسه انتخاب میگردند .

مبحث چهارم حق تجارت

حق تجارت به دول اجازه میدهد که برای مواضع متقابل محصول ارضی و صنعتی روابطی بایکدیگر برقرار دارند و از راه های طبیعی مرادوات از قبیل رود خانه و دریاها استفاده کنند و در نتیجه این حق اتباع دول میتوانند مهاجرت نموده و در اراضی سایر دول سکنی جویند لهذا اگر دولتی سرحدات کشور را به روی اتباع و اقمعه سایر دول محدود دارد چنانکه تا چندی قبل دولت چین این رویه را تمقید مینمود خود را از استفاده از مزایای حقوق بین الملل محروم مینماید و یک حد اقلی برای مرادوات بین الملل قائل شده اند که در صورت عدم رعایت آن دولت از جامعه ملل ممتدنه خارج میگردد . حق تجارت مطلق نبوده و بواسطه حق حفظ و حراست اصل حکمرانی محدود میگردد لهذا هر دولتی میتواند برای حمایت محصول ارضی و صنعتی خود حقوق گمرکی تحمیل اقمعه خارجه نماید .

و توسعه ارضی در نتیجه فتح اراضی به ضرر دول دیگر غیر مشروع محسوب میشود .

مبحث سوم حق مساوات

دول در مقابل حقوق بین الملل متساوی الحقوق میباشد مانند اتباع يك کشور در مقابل قانون و وسعت ارضی و قدرت و توانائی دول بهیچوجه در مقررات و قوانین حقوق بین الملل مؤثر واقع نگردیده و اصولاً کلیه دول دارای حقوق و تکالیف متشابه و متساوی میباشد و این اصل را میسوسومر Cumner در ماه مارس ۱۸۷۱ در مجلس سنای اتازونی چنین بیان نموده است :

« مساوات دول یکی از اصول مسلمه حقوق بین الملل است چنانکه مساوات افراد یکی از اصول و مبای اساسی استقلال ما است و نباید نسبت به يك ملت ضعیف و کوچکی اقداماتی را روا داشت که نسبت به يك دولت قوی و یان نسبت بخودمان روا نمیداریم »

ولی حق مساوات فقط در موضوع دولی برقرار است که از حیث تمدن و اخلاقی و روحیات در ردیف واحد قرار گرفته و متکی به قواعد و اصول واحدی در مرادوات متقابله بایکدیگر میباشد و نمیتوان ملل و حشیه و غیر متمدنه که خود را به رعایت قواعد و قوانینی که در عالم متمدن معمول و متداول است مقید نمیدانند دارای حق مساوات دانست .
 عدم مساوات عملی دول - همان قسمیکه در داخله کشور مساوات در مقابل قانون مانع عدم مساوات در وضعیت افراد نمیکرد مساوات دول نیز در مقابل قوانین بین المللی مانع عدم مساوات عملی که در نتیجه وسعت ارضی و اهمیت منابع اقتصادی و فلاحتی و صنعتی و استعداد نظامی برقرار شده است نخواهد گردید چنانکه ما نیز سابقاً در جزو تقسیمات دول قائل به وجود دول معظمه و غیر معظمه شده ایم .